

یک سند مهم درباره مسئله هرات

چکیده:

اگر چه لشکرکشی محمدشاه قاجار به هرات با موافقت و تشویق دولت تزاری روسیه انجام شد و حتی نیکولای اول، تزار روسیه، به ناصرالدین میرزا، ولیعهد محمدشاه، وعده کمک و مساعدت داده بود، اما هنگامی که نیروهای انگلیسی جزیره خازک را تصرف نموده و تهدید کردند که در صورت ادامه محاصره هرات، جنوب ایران را اشغال خواهند نمود، دولت روسیه هیچ گونه کمکی به دولت ایران نکرد و اشتباه تاریخی پادشاهان ایران در تکیه بر نیروهای خارجی و ماجرای عهدشکنی قدرتهای اروپایی، تکرار شد. محمدشاه به ناچار محاصره هرات را ترک کرد و به ایران بازگشت. پس از عقب نشینی نیروهای محمدشاه از هرات، وزارت خارجه ایران در نامه‌ای به غراف نسلرود، وزیر خارجه روسیه، منافع مشترک دو دولت و وعده همکاری و کمک روسیه را یک بار دیگر یادآور شد، اما هیچ نتیجه‌ای از آن نگرفت.

کلید واژه‌ها: ایران - افغانستان - هرات - انگلیس - روسیه.

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران؛ مشاور گروه اسلام معاصر بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

مقدمه و زمینه بحث

بدون تردید حوادثی که در زمان زمامداری محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) در ارتباط به مسئله هرات رخ داد، از اهمیت ویژه‌ای در روابط ایران و افغانستان، به‌ویژه از نظر مسائل بعدی که به جدایی رسمی هرات از ایران منجر شد، برخوردار است. در آن زمان انگلیس، قدرت مسلط عصر، به حاکمان ایران فهماند که پیشروی به سوی هرات به معنی تعدی به حوزه امنیتی هندوستان است و این چیزی نبود که سیاست‌گزاران کمپانی هند شرقی و لندن به آسانی حاضر به پذیرش آن باشند.

بنابراین از همان اوان حمله محمدشاه قاجار به هرات، به‌ویژه پس از سقوط قلعه غوریان واقع در ۶۶/۵ کیلومتری غرب هرات، اداره‌کنندگان سیاست انگلیسی در هند کوشیدند اقدامات محمدشاه را در زمینه تسخیر هرات خنثی کنند. نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران و عمال و جاسوسهای آن در داخل هرات کوشیدند کاری کنند ایران از اقداماتش طرفی نبندد و سرانجام، شکست‌خورده و سرافکننده از آن دست‌بردارد.

از سوی دیگر، اگر سیاست بریتانیا در این زمان بر ایجاد سد در راه پیشروی ایران به سوی شرق مبتنی بود، سیاست قدرت رقیب آن، روسیه، بر تشویق و ترغیب ایران به پیشروی به سمت شرق، نزدیکی به مرزهای هندوستان و به‌ویژه تسخیر و تصاحب هرات استوار بود و حتی گفته می‌شد که کنت سیمونیچ، سفیر و وزیرمختار روسیه در تهران، شاه ایران را آلت دست خود قرار داده و او را تشویق می‌نمود تا به هرات لشکر کشد و با توسل به زور، آن را از چنگ کامران میرزا، فرزند شاه محمود، سومین پادشاه سلسله درانی افغانی، بیرون آورد.^(۱)

سرانجام شاه ایران به هرات لشکر کشید و سپاهیان قاجاری مدت ده ماه کوشیدند این دروازه هند (هرات) را به تصرف خویش درآورند، اما سرانجام در اثر عواملی چند، به‌ویژه پس از آنکه دولت بریتانیا تهدیدش را عملی ساخت و جزیره خارک را اشغال نمود، ایران دست از محاصره هرات برداشت (۱۲۵۴ ق)^(۲) و محمدشاه پیش از بازگشت از آن ولایت، در توجیه عقب‌نشینی خود اعلام کرد: «مردم انگلیس چنان می‌دانند که مرا از مبارزات و مناجزات باکی و بیمی است. من چنان دانسته‌ام که عهدنامه انگلیس در کنار دریای عمان، دیوار آهنین بود. اکنون

معرفی سند ● یک سند مهم درباره مسئله هرات / ۲۰۵

که نقض عهد کردند، من نخست دست از هرات بازمی‌دارم و حدود مملکت را استوار داشته،
آن‌گاه کار هرات را پراخته خواهم کرد.»^(۳)

بدین ترتیب محمدشاه شکست را پذیرا شد و ایران این‌بار نیز در برابر یک قدرت
اروپایی عقب نشست. آنچه در زیر می‌آید، سندی است مربوط به همین ماجرا و در آن، وزارت
خارجۀ ایران مسائل مربوط به هرات را به اطلاع غراف نسلرود، وزیر خارجۀ روسیه، رسانده و
به دلایل لشگرکشی شاه ایران به سوی شرق کشور و نیز اهمیت آن در راستای منافع مشترک
ایران و روسیه اشاره نموده است. این سند که اکنون در مرکز اسناد وزارت امور خارجۀ جمهوری
اسلامی ایران نگهداری می‌شود،^(۴) با خط شکسته خوانا، ضمن بیان اهمیت شرایط ویژه آن
دوره، هم‌سویی ایران و روسیه در آن مقطع از تاریخ را نشان می‌دهد؛ چنان‌که آشکارا می‌گوید:
«... امر ما با انگلیس، بی‌اعانت دولت بهیۀ روسیه و دست‌ورالعمل ایشان، نمی‌گذرد... چرا که تا ما
را با شما (روسیه) متحد ندیدند، مرتکب نقض عهد نشدند.» و اینک متن سند:

هو

غراف نسلرود

«چندی قبل ازین، کیفیت ادعای دولت انگلیس را که در باب هرات دارند و تفصیل
مکاتبات جناب مستر مکنیل، وزیر مختار آن دولت، و جوابهایی که اولیای دولت
علیه نوشته بودند، با بعضی ملحقات دیگر، به خدمت جناب سامی نوشته، به
توسط جنرال قونسول سابق فرستادم. چون جناب سامی را خیرخواه دولت علیه
می‌دانم و مکرر این معنی را خود در لفظ جنابعالی شنیده و آثار آن را در خارج
مشاهده کرده‌ام، امیدوارم که همه آن مطالب را به دقت ملاحظه فرموده، ساعتی چند
اوقات شریف را درین کار که ذوجهتین است و نفع و ضررش متعلق به دولتین،
صرف نموده باشند. دیگر در خدمت آن جناب که دانای رموز هر دولت است، بیان
نکته این تعلق، نوعی از جسارت می‌نماید. نظر بر اینکه بعد از فرستادن آن مکاتبات
بعضی امورات دیگر اتفاق افتاد، لازم آمد که از رفتار دولت انگلیس و کردار این

دولت علیه، آن جناب را آگاهی دهد و از رأی زرین و فکرگزینش مددخواهی نماید. جناب مستر مکنیل بعد از آنکه در داخل و خارج هرات به قدری که می توانست به هراتی امداد کرد و در کار ما افساد نمود و به آن تفصیل جواب و سؤال که به نظر شریف رسیده، با اولیای این دولت علیه کرد، به طریق قهر از اردوی شاهنشاهی برگشت و در اثنای راه از منزلی که به شاهرود موسوم است، مستر استادرت نام، صاحب منصب سفارت، را به اردوی همایون شاهنشاهی فرستاده، اعلام کرد که سفاین جنگی ما به بحر قارس آمده و در بعضی از جزایر آنجا قرار گرفته اند؛ اگر پادشاه از تسخیر هرات دست برندارند، ما بدون ملاحظه معاهده، با شما مخاصمه خواهیم کرد. بعد از ورود به تبریز، عریضه دیگری به حضور مهرظهور شاهنشاهی ارسال نمود؛ خلاصه مضمون اینکه من از جانب دولت خود مأمور شدم که عرض نمایم که مقصود ما از دوستی با دولت ایران این بود که این دولت از برای حفظ هندوستان، سدی سدید باشد. اکنون برخلاف آن، پادشاه ممالک ایران، مملکتی را که مابین ایران و هندوستان واقع است و نیز سدی است محکم برای حفظ دولت انگلیس، می خواهند خراب نمایند و درین امر واضح و آشکار، خود را با یکی از دولتهای قرنگ متفق کرده است تا پاره [ای] منظورات و مقصودات که اظهر من الشمس است، به عمل آورند و چون این غرض، ضد مقاصد عهدنامه است، دولت انگلیس خود را مأذون و مختار می داند که بدون اینکه ملاحظه معاهده نماید، آنچه در صلاح اندیشی کار و محافظت مملکت خود داند، به عمل آورد. دوستدار سواد این دو نوشته را برای مزید استحضار جنابعالی ارسال نمود. اعلیحضرت شاهنشاهی به ملاحظه این اوضاع، مصلحت در معاودت دانسته، بعد از آنکه هفده ماه، شصت هزار لشکر را خرج داده، خسارت جنگ کشیدند و کابل و قندهار و کل افغانستان را، جز چهار دیوار هرات، به اطاعت درآوردند و کامران میرزا و معتمدان هرگونه تکلیف و خدمت را متقبل شدند، بی نیل مقصود، تشریف فرمای مقر خلافت گردیدند تا درد کار را به دولت بهیمة روسیه حالی نمایند و درصدد

چاره‌جویی برآیند. آن جناب به دیده انصاف ملاحظه فرمایند که در دنیا هیچ ظلمی و ستمی بالاتر ازین می‌شود که پادشاه صاحب شوکتی را که به هیچ وجه من‌الوجوه هیچ عهدی را از عهد نقض نفرموده باشد، در اثنایی که بعد از چندین زحمت و خسارت بر مملکت یاغی خود که همواره مشغول قتل و اسر و نهب ولایات خراسان و سیستان بوده و در هیچ وقت هیچ عهدی را مراعات ننموده است و اسرای این دو ولایت را در خویوه و بخارا به فروش رسانده است، مسلط شده باشد، به خلاف عهدنامه از حصول مطلوب بازدارند و به این روشنی و آشکاری عهدشکنی و بی‌اعتباری ظاهر سازند [!؟] اعتقاد و اعتماد ما به عدالت و مروت دولت بهیئ روسیه بیش از این است که این ظلم علانیه را که به یک لحاظ نسبت دوستی آنها به ما رسیده، چنانکه در کاغذ مکتبیل واضح است، معاینه و ملاحظه نمایند و همسایه خود را در میان این آتش سوزان ببینند و سکوت اختیار کنند و تفاوتی به احوال ایشان نکنند. و شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه به امیدواری حمایت و اعانت اعلیحضرت امپراطور اعظم به عهده دوستدار مقرر فرمودند که گزارش را علی‌ما هو حقه به خدمت جناب سامی قلمی داشته، مصحوب محمد صالح خان، چاپار خاصه، ارسال دارد و از اوضاع الحاله، آن جناب را آگاهی دهد که چون امر ما با دولت انگلیس نگذشته بود، سردار قندهار را با جمعیت خود در فراه گذاشتیم و در غوریان که قدیماً از هرات موضوع بوده، دوهزار جمعیت با چهار عراده توپ جا دادیم که هراتی را فراغت کلی نباشد تا امر ما با انگلیس بگذرد و امر ما با انگلیس، بی‌اعانت دولت بهیئ روسیه و دستورالعمل ایشان، نمی‌گذرد. لہذا از آن جناب شوکت مآب توقع می‌کند که رضای حق و طریقه انصاف را که عادت قدیم ایشان است، درین ماده نیز ملاحظه فرموده و قراری بدهند که دولت انگلیس از عهدنامه خود تجاوز نکرده، بر عهد خود پایدار باشد و اگر از ما هم خلاف قاعده نسبت به آنها سر زده باشد و جناب شما تصدیق نمایند که خلاف است، هر طور که قانون اقتضا می‌کند، درصدد چاره‌جویی برآییم. معلوم است که مبنای کار دولت‌ها و اعتماد و

اطمینان ایشان از یکدیگر، منوط به عهد و پیمانی است که با هم مربوط می‌کنند و اسم آن را عهدنامه می‌گذارند. در صورتی که نگاه‌داشتن و برهم‌زدن عهدنامه موقوف به صرفه و عدم صرفه احد طرفین باشد، این اطمینان و اعتماد بالمزه از میان دولتها رفع خواهد شد و ضرر آن، امروز به ما و فردا به شما عاید خواهد شد، بلکه در حقیقت امروز هم به شما خواهد رسید؛ چرا که تا ما را با شما متحد ندیدند، مرتکب نقض عهد نشدند. امید کامل حاصل است که آن جناب در صدد چاره این امر برآمده،
 -
 عن قریب ما را مستحضر نمایند.»

[حاشیه سند] خیلی صحیح و حرف درست [است].

چنانکه ملاحظه شد، دولت ایران در سند مزبور نسبت به دست‌درازیها و دخالت‌های انگلیس که در این زمان هم توسط مکنیل و وزیر مختار در تهران، و هم به واسطه پوتینگر، افسر انگلیسی که بعدها قهرمان هرات نام گرفت،^(۵) در داخل هرات انجام می‌شد، واکنش نشان داده و انگلیس را به افساد متهم کرد. مکنیل بسیار کوشید تا ایران را از لشکرکشی به هرات بازدارد، چنان که با ارسال نامه‌ای به وزیر خارجه ایران، به حرکت شاه به سوی شرق کشور اعتراض کرد و نوشت:

«بالجملة استدعای محب این است که شاهنشاه ایران تصور فایده واقعی دولت علیّه خود و ملاحظه استقلال و استقرار دوستی دولت بهیّه انگلیس را فرموده، رأی مبارکشان بر این تعلق گیرد که به طریق عدل و انصاف، قراری به اهالی هرات داده، رفع منازعه را فرموده، زیاده راضی به اغتشاش این سرحدات نشوند و مانع ریختن خون مردمان بی‌گناه و تقصیر، شده باشند که عاقبت الامر از این خونریزی ثمری عاید دولت علیّه ایران نخواهد شد و امید محب این است که شاهنشاه ایران فایده و منفعت اتحاد و دوستی صمیمی دولت بهیّه انگلیس را بر اراده و عزمی که اکنون در نظر دارند (تسخیر هرات)، ترجیح دهند. که هرگاه این عزم و اراده هم صورت پذیرد، بر شوکت و نامداری شهریاری نخواهد افزود و چنانچه زیاده ازین در انجام این اراده بکوشند و به جایی نرسند و ظن غالب در این مورد که صورت نگیرد، آن وقت باعث بدنامی عساکر منصوره خواهد بود.»^(۶)

در عرصه داخلی هرات نیز مستر پوتینگر که نخست با لباس مبدل و به نام مولوی و سید هندی وارد هرات شده بود، چون کار این شهر را به هنگام محاصره، تمام شده دید، لباس درویشی را از تن درآورد و خود را به یار محمدخان، رزیر هرات، معرفی کرد و داوطلبانه در تنظیم امور دفاعی هرات سهیم شد و درحقیقت نقش مهمی ایفا کرد که هرگاه تزلزلی در اراده مدافعان پدید می آمد، وی با کوشش خستگی ناپذیرش در رفع آن می کوشید و به مدافعان هراتی براساس واپسین دستاوردهای جنگی اروپا، توصیه های فنی صادر و آنان را فرماندهی می نمود. (۷)

انگلیسیها به این اقدامات بسنده نکردند، بلکه با هدف بی ثبات ساختن اوضاع و ایجاد آشوب و بلوا در داخل ایران، بذرفتن و اختلاف را در مناطقی از ایران پاشیدند، چنان که بعدها مشکلات و ددرسره های بزرگی را پدید آوردند که از آن جمله می توان به شورش آقامحمدخان محلاتی، رهبر اسماعیلیه، در حوالی بم و کرمان و فتنه باب اشاره کرد.

از سوی دیگر روسیه، قدرت دیگر عصر، که در این زمان سیاستش رو در روی سیاست انگلیس در ایران قرار گرفته بود، به تشویق ایران در حمله به هرات پرداخت و نیکلای اول، تزار آن کشور، که هنگام حرکت محمدشاه به سوی هرات، در تفلیس بود، در ملاقاتی با ناصرالدین میرزا، ولیعهد هشت ساله ایران که به همراه امیرنظام زنگنه و میرزا تقی خان فراهانی در قفقازیه به سر می برد (۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۸)، حمایت خود را از لشکرکشی محمدشاه به هرات اعلام کرد و برای کمک به ایران، قول مساعد داد^(۸) و سفیر آن کشور، کنت سیمونیچ، خود را به اردوی شاه رسانده و با معرفی یک افسر عالی رتبه روسی برای خدمت در ارتش ایران، پادشاه ایران را به ادامه محاصره هرات وادار کرد^(۹) و بدین ترتیب کوشید تا از این پیشامد به نفع سیاست کلی خویش در پیشروی به سوی هند سود برد.

براساس مسائل یاد شده، در سند مزبور نفع و ضرر لشکرکشی به هرات متعلق به ایران و روسیه قلمداد شده و آمده است که بی کمک دولت روسیه و دستورالعمل آن، این کار به سامان نخواهد رسید. باوجود این اظهار پیوند و تعلق، در عمل دیده شد که روسیه واکنش مساعدی نسبت به اشغال جزیره خارک و پیشروی انگلیسیها به داخل ایران نشان نداد؛ روسها در

معرفی سند ● یک سند مهم دربارهٔ مسئلهٔ هرات / ۲۱۱

سخت‌ترین لحظات محمدشاه را ناامید ساختند و از این رو بود که پادشاه ایران ناچار شد دست از محاصرهٔ هرات برداشته، به داخل ایران عقب‌نشیند و امر آنجا را به وقت دیگری موکول سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

۱. پیتز هاپکرک، بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱.
۲. علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه)، تاریخ وقایع و سوانح افغانستان، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۸۸.
۳. منصوره اتحادیه، انفصال هرات، تهران: سیامک، ۱۳۸۰، ص ۹۰.
۴. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، سند شماره ۱۳-۲-۱۲۵۰ ق.
۵. هاپکرک، پیشین، ص ۲۰۰.
۶. گزیده اسناد سیاسی ایران و افغانستان، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۴، ص ۵-۷۴.
۷. هاپکرک، پیشین، ص ۲۰۴.
۸. یوسف متولی حقیقی، افغانستان و ایران، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵.
۹. پیشین، ص ۲۲۱.